بیانات در دیدار اعضای ستاد برگزاری همایش ملّی بزرگداشت شهدای امدادگر - 24 /اردیبهشت/ 1404

بسم‌الله‌الرّحمن‌الرّحیم (۱)
و الحمد لله ربّ العالمین و الصّلاة و السّلام علی سیّدنا و نبیّنا ابی‌القاسم المصطفی محمّد و علی آله الاطیبین الاطهرین المنتجبین الهداة المهدیّین سیّما بقیّة الله فی الارضین.
تشکر میکنم از این کار بزرگی که مجموعه‌ی شماها اقدام کردید ؛ [یعنی] تشکیل بزرگداشت شهدای امدادگر در طول سالهای متمادی، چه در دفاع مقدّس و چه بعد از آن. کار بسیار لازم و مهمّی بوده و امیدواریم که ان‌شاءالله تأثیرات مطلوب را بگذارد.
این ابتکاراتی که آقای کولیوند ذکر کردند ــ در این متن زیبایی که خواندند ــ که این کارها انجام گرفته، اینها باید مخاطب و مستمع پیدا کند. صرف اینکه شما ابتکار کنید و یک بازی خوب درست کنید یا یک کتاب خوب بنویسید یا یک فیلم خوب تولید کنید، کافی نیست. این چیزهایی که شما گفتید، انسان را سر شوق می‌آورد و خیلی خوب است ؛ منتها باید کاری کنید که در یک کشور هشتادمیلیونی، بیست میلیون مخاطب داشته باشد ؛ یعنی واقعاً ترویج کنید ؛ این مهم است. راهش را پیدا کنید ؛ میتوانید. اگر جوانهای ما در زمینه‌هایی که حالا زیرساخت‌اش وجود دارد ــ آن چیزهایی را که زیرساخت ندارد، عرض نمیکنم ــ بتوانند بنشینند فرصت کنند فکر کنند و دنبال راهکار و ابتکار بگردند، مسلّم به جاهای خیلی خوبی خواهند رسید ؛ این را ما، هم در صنعت امتحان کردیم، هم در ادبیّات و هنر امتحان کردیم، هم در سیاست امتحان کردیم، هم در فعّالیّت ساخت‌وساز در بخشهای مختلف امتحان کردیم.
اگر جوانها با انگیزه و همّت وارد کار بشوند، همّت کنند و دنبال کار را بگیرند، هیچ کار نشدنی‌ای وجود ندارد. آن جاهایی هم که زیرساخت در کشور ندارد، میشود آن زیرساخت را بتدریج ایجاد کرد. همین پیشرفتهایی که امروز در بخشهای مختلف مشاهده میکنید، هیچ کدام زیرساخت ملّی نداشته. ما الان هزارها کتابِ خواندنیِ مربوط به شهدا داریم که واقعاً خواندنی است و هر کدام را که انسان فرصت میکند نگاه کند و بخواند، جذّاب است ــ واقعاً این‌جور است ــ در حالی که ما قبل از انقلاب، زمینه‌ی کار هنری و فعّالیّتهای هنری بخصوص در زمینه‌ی داستان نداشتیم ؛ خیلی‌خیلی بندرت و کم، آن هم در سطح پایین. امروز سطح کار بالا است ؛ این زیرساخت را جوانهای ما ایجاد کردند، هنرمندهای ما ایجاد کردند. بنابراین، میتوانید پیش بروید و ان‌شاءالله انجام بدهید.
در مورد امدادگران و فضایل بزرگ اینها کم صحبت شده ؛ حالا ان‌شاءالله بعد از این، با تشکیل این دبیرخانه‌ی شما و کارهای شما، بیشتر بشود. من دو سه جمله در این زمینه عرض میکنم. رزمنده نیاز دارد به آموزش، به سلاح ؛ امّا آن کسی که این آموزش را به او میدهد و این سلاح را به او میدهد، غالباً در خارج از معرکه‌ی نبرد این خدمت را به رزمنده میکند. رزمنده احتیاج دارد به امداد، به پانسمان، به باند، به جلوگیری از خون‌ریزی، به رساندن به درمانگاه و بیمارستان ؛ آن کسی که این کارها را و این پشتیبانی‌ها را از رزمنده میکند، در وسط معرکه است ؛ این تفاوتِ فوق‌العاده مهمّی است بین این دو نوع پشتیبانی. امدادگر، در زیر باران گلوله و ترکش، به فکر نجات دیگری است. رزمنده‌ی ما دو کار دارد: یکی اینکه دشمن را عقب براند، یکی اینکه خودش را حفظ کند ؛ امّا امدادگر ما به فکر حفظ خود نیست، به فکر حفظ دیگران است و برای حفظ دیگران وارد میدان میشود. آن چیزی که در این گوشه‌کنار کتابهای خاطرات رزمنده‌ها گاهی انسان مشاهده میکند از کارهایی که این امدادگران انجام دادند، واقعاً شگفت‌انگیز است! آن گذشت اینها و [کارهای] اینها، با آن سختی‌ها، با آن دشواری‌ها ؛ این را باید تبیین کرد برای مردم تا بدانند و بفهمند.
یک نکته‌ی دیگر این است که امدادگران ما مظهر صفات انسانی و انسان‌دوستی بودند. ما مواردی را مشاهده کردیم که امدادگران حتّی به دشمنی که اسیر شده و مجروح است کمک میکردند ؛ این کار خیلی بزرگی است. خب دشمن در میدان جنگ آمده شما را بکشد، مقابله‌به‌مثل اقتضا میکند که شما هم بخواهید او را بکشید ؛ امّا شما وقتی که آن کوله‌ی امدادگری را به دوش می‌اندازید یا میروید پشتِ خطّ‌مقدم، آنجا بیمارستان صحرایی تشکیل میدهید و آنجا

امداد میکنید، در واقع دارید درست عکس وضعی که دنیای بیگانه‌ی از انسانیّت دارد رفتار میکنید و عمل میکنید، انسان‌دوستی را نشان میدهید. خود من دیدم که نزدیک خطّمقدّم ــ حالا [اینکه] چند کیلومتر بود یادم نیست، امّا خیلی کم بود ــ پزشکان و پرستارها در بیمارستان صحرایی مشغول کار بودند، آنجا اتاق عمل جرّاحی تشکیل داده بودند که مایه‌ی تعجّب بود ؛ بُرد گلوله‌ی دشمن و خمپاره‌ی کوتاه‌بُردِ دشمن به اینجا میرسد، اینها زیر گلوله‌ی دشمن اتاق عمل جرّاحی تشکیل دادند! [این] خیلی مهم است. پزشکانی در دوره‌ی دفاع مقدّس بودند که کیفشان آماده بود و به مجرّد اینکه بنا بود عملیّاتی شروع بشود و اینها بروند، به اینها که یک اطلاعی داده میشد، اینها با تلفن به منزلشان میگفتند ما رفتیم! کیف را برمیداشتند راه می‌افتادند ؛ یعنی اینها واقعاً یک چیزهایی نیست که به‌زبان قابل توصیف باشد ؛ اینها را جز با ابزار هنر نمیشود نگه داشت و تبیین کرد و بیان کرد.

امروز ملّت ما احتیاج دارد به اینکه این حرکتهای عظیم را و این کارهای بزرگ را که از خود این ملّت سر زده، از بچّه‌های این ملّت سر زده، بداند ؛ به این احتیاج دارد، که ما در این زمینه یک مقدار کوتاهی داریم، و [لذا خیلی‌ها] نمیدانند ؛ و بیش از این، کوتاهی ما در انعکاس اینها به دنیا است. شما می‌بینید که در کشورهایی یک قهرمان نیمه‌کاره‌ای و متوسّطی دارند، این را چطور بزرگ میکنند، درباره‌اش کتاب می‌نویسند، داستان می‌نویسند ؛ بعضی‌ها هم قهرمان ندارند، قهرمان می‌سازند ؛ تاریخ ندارند، تاریخ می‌سازند. ما قهرمانش را هم داریم، تاریخش را هم داریم، گذشته‌ی پُرافتخارش را هم داریم ؛ این را باید منتقل کنیم، باید منعکس کنیم. این کار بزرگی است و جزو وظایف حتمی است ؛ این کار دوّم ؛ که هم بشناسیم، هم معرّفی کنیم، هم این را تبدیل کنیم به فرهنگ عمومی ؛ یعنی معلوم بشود که امداد و کمک یک وظیفه‌ی اسلامی و انسانی است و این باید در نسلها جاری باشد، به طور دائم بایستی ادامه داشته باشد. این کارها، کارهای همین مجموعه‌های شما است. امیدواریم ان‌شاءالله این کنگره، این بزرگداشت، یک مقدّمه‌ی خوبی باشد برای اینکه این کارها پیش برود و انجام بگیرد.

آن وقت این را شما مقایسه کنید با آن حیوانهای وحشیِ انسان‌صورتی که آمبولانس را بمباران میکنند، بیمارستان را بمباران میکنند، بیمار را بمباران میکنند و میکشند، کودک بی‌گناه و ناتوان از دفاع را بی‌دریغ از بین میبرند! امروز دنیا دست اینها است ؛ امروز حرکت جمهوری اسلامی و ایستادگی جمهوری اسلامی و «تمدّن نوینی» که جمهوری اسلامی مکرّر نام می‌آورد، برای مقابله‌ی با این وضع دنیا است. چه کسی میتواند ادّعا کند و واقعاً باور داشته باشد که در مقابل این وحشیگری‌ها، این خونخواری‌ها، انسان وظیفه‌ای ندارد؟ چه کسی میتواند این را بگوید؟ همه وظیفه داریم. امروز کسانی ادّعای اختیارداریِ دنیا را میکنند یا بر کشورهایی در دنیا حکومت میکنند که رفتارشان این است ؛ کودک را میکشند، بیمار را میکشند، بیمارستان را نابود میکنند، مردم غیر نظامی را بی‌دریغ بمباران میکنند. خب شما [اگر] جنگ دارید، نظامی با نظامی بجنگند. حالا گاهی همین هم عادلانه نیست، ظالمانه است ؛ یعنی حرکت، حرکت ظالمانه‌ای بوده لکن بالاخره جنگ بین نظامی‌ها است. غیر نظامی را چرا میکشند؟ چرا میزنند؟ چرا خانه‌ها را ویران میکنند؟ امروز دنیا دست اینها است.

این، آن وظیفه‌ی بزرگی است که بر دوش ما است. این احساس وظیفه است که ما را به حرکت وامیدارد ؛ این احساس وظیفه است که نمیگذارد چراغ امید در دل ما خاموش بشود و همین احساس وظیفه است که دشمنانی مثل این وحشی‌های غربیِ کراوات‌زده‌ی ادکلن‌زده‌ی خوش‌ظاهر را در مقابل جمهوری اسلامی وادار میکند به ایستادگی و دشمنی. [مشکل] اینها است ؛ یعنی اگر شما به این وحشیگری‌ها اعتراض نکنید، اگر با آنها کنار بیایید، اگر حتّی تحسینشان هم بکنید، با شما هیچ دشمنی‌ای نخواهند داشت ؛ مشکل همین است که شما اساس این تمدّن باطل را دارید رد میکنید و حق با شما است، باید هم رد کنید.

و ان‌شاءالله این باطل از بین خواهد رفت ؛ باطل ماندنی نیست، باطل رفتنی است، بلاشک، منتها باید اقدام کرد. این‌جور نیست که ما بنشینیم تماشا کنیم تا باطل خودش آب بشود و از بین برود ؛ نه، اینکه خدای متعال باطل را رفتنی اعلام میکند، این یعنی اگر چنانچه در مقابلش ایستادی، مبارزه کردی، کار کردی، این ماندنی نیست، این قدرت بر مقاومت ندارد. وَ لَو قاتَلَکُمُ الَّذینَ کفَروا لَوَلَّوُا الادبارَ ثُمَّ لا یَجِدونَ وَلِیًّا وَ لا نَصیرًا ؛ شما اگر سینه سپر کردید، اگر ایستادید، بدون تردید او پشت خواهد کرد ؛ امّا اگر شما یا نشستید یا روی خوش نشان دادید یا لبخند زدید یا فرار

کردید یا او را به کارهایش تحسین کردید، نه، او از بین نمیرود، روزبه‌روز بیشتر هم پُرروتر خواهد شد.
امیدواریم ان‌شاءالله خدای متعال شماها را موفق بدارد، ما را بر آنچه وظیفه‌ی ما است آگاه کند و توفیق بدهد که بتوانیم به این وظایف عمل کنیم.
والسّلام‌علیکم‌ورحمةالله‌وبرکاته

۱)در ابتدای این دیدار، آقای پیرحسین کولیوند (رئیس جمعیّت هلال‌احمر) گزارشی بیان کرد.

۲)سوره‌ی فتح، آیه‌ی 22